



حرفه من

سرگئی ولادیمیروویچ اوبراتسوف

ترجمه‌ی فریده مرادی

نشر قطره

اوبراتسوف، بازیگر، عروسک‌گردان، عروسک‌ساز، کارگردان و سرپرست تئاتر در سال ۱۹۰۱ در روسیه به دنیا آمده و کار هنری‌اش را ابتدا در عرصه‌ی هنر نقاشی و گرافیک آغاز کرده است. او با بیش از ۶۰ سال فعالیت هنری و اجرای نمایش در بیشتر کشورهای جهان، هنرمندی پرآوازه است. شیوه‌ی هنری او چه در زمینه‌ی ساخت عروسک و گزینش متن و چه در مورد پرداخت و کارگردانی، الگوی بسیاری از گروه‌های تئاتر عروسکی همان جا قرار گرفت. نمایش‌های اوبراتسوف با جهانی از تخیل شگرف، پیوندی تنگاتنگ با واقعیت‌های زندگی داشته است. او ساختار نمایش عروسکی را از یک روند صرفاً تفننی و یکنواخت به مقوله‌ای خلاق سوق داده و با بهره‌گرفتن از سنت‌های نمایش عروسکی کشورش و سایر نقاط جهان این نوع هنر تئاتر را تعمیم داد. وی نه تنها در ساختن عروسک، که در عروسک‌گردانی و کارگردانی نیز صاحب سبک بوده است. اثر حاضر در واقع زندگی‌نامه‌ی هنری اوبراتسوف است که شیوه‌ی کارش را به تصویر می‌کشد.

اوبراتسوف در کتاب خود، ضمن نشان دادن مسیر حرکت و فراز و نشیب‌های موجود برای بنیان تئاتر عروسکی، به تاریخ این گونه نمایش در جوامع انسانی و در بطن واقعیت‌های اجتماعی توجه دارد و به سادگی از کنار آن نمی‌گذرد. وی تجربه‌ها و نظریه‌هایش را در رابطه با فنون انواع نمایش عروسکی تبیین می‌کند تا خواننده خود را در فضای کار ببیند، آن گونه که گویی در حال تجربه کردن و آموختن از استادی چیره‌دست است. او نقادی تواناست و به نقادی کارهای خود می‌پردازد و به نقد نگاهی عالمانه دارد.

کتاب حاضر نه تنها خواننده‌ی معمولی را سرگرم می‌کند و آموزش می‌دهد، بلکه خواننده‌ی متخصص را هم به شوق می‌آورد تا مقوله‌ی تئاتر عروسکی را به طور جدی بنگرد و از دستاوردهای پیشگامان، بهره‌ای اساسی ببرد. اوبراتسوف می‌گوید:

«کتاب، اجرای تئاتری یا نمایش عروسکی نیست، ولی از روزی که در قفسه‌ی کتابفروشی‌ها قرار می‌گیرد، من خود را برای قضاوت مردم آماده می‌سازم. با این تفاوت که واکنش تماشاگران تئاتر را بی‌درنگ درمی‌یابم در حالی که قادر به دریافت واکنش بی‌واسطه‌ی خوانندگانم نیستیم». وی ادامه می‌دهد:

«کتاب، نه یک تک‌گویی است و نه گفت‌وگویی با خود، من باید به تصور دریابم که خوانندگانم چه کسانی هستند. کتاب بخشی از گفت‌وگو و یا مکالمه با خوانندگان خود است. چگونه می‌توان با کسی صحبت کرد بدون آنکه او را دید و یا احساس کرد که این شخص کیست؟ اکنون با چه کسی سخن می‌گویم و از شخصی که در این لحظه کتابم را در دست دارد چه تصویری دارم؟» به باور اوبراتسوف، عروسک‌ها تنها هدف نهایی نیستند، بلکه آنها باید بتوانند کاربرد مفیدی برای مردم داشته باشند. او احساس می‌کند که هنرها کلیتی واحد دارند و در فرآیند خلاقیت، شباهت‌های آنها درست به اندازه‌ی تفاوت‌هایشان اهمیت دارد. در این اثر بیشترین توجه او به همین فرآیند خلاق است: تجربه‌ی شخصی او و نتایج اجتناب‌ناپذیری که هر هنرمندی از تجربه‌هایش به دست می‌آورد، به تدریج تبدیل به قانون مسلم می‌شود. تغییرناپذیری این قوانین به زمان بستگی دارد. اثر حاضر در دو بخش تفکیک شده است: تولد حرفه و اجراهای تکی او در صحنه‌ی تئاتر موزیکال و کار او به عنوان کارگردان «مرکز نمایش‌های عروسکی دولتی».

اوبراتسوف قصد ارائه‌ی دستورالعمل ندارد، و نمی‌خواهد عقایدش را به خوانندگان بقبولاند، و دلش نمی‌خواهد این کتاب به عنوان درسی در زمینه‌ی تئوری خلاق تلقی شود. وی می‌نویسد:

«اگر موفق شوم در مورد حرفه‌ام به گونه‌ای بنویسم که نه چیزی را پنهان کنم و نه چیزی را جعل، به هدفم رسیده‌ام، چرا که در این صورت تجربه‌ی شخصی‌ام برای خوانندگان، مفید و یا حداقل جالب خواهد بود» بخش اول کتاب در پانزده فصل و بخش دوم نیز در شانزده فصل ارائه شده است.